

صلح ادیان^۱

دکتر حاج نورعلی تابنده

بسم الله الرحمن الرحيم

خطاب اینجانب به کسانی است که در کنفرانس برگزار شده از جانب "بنیاد فرهنگی هماهنگی ادیان و صلح جهانی" گرد هم آمده‌اند. از اینکه بزرگانی از ادیان مختلف در این دوران به فکر صلح و هماهنگی و وفاق میان مذاهب و ادیان افتاده‌اند، بسیار خوشحال شدم. زیرا دین امری است که اعتقاد به آن را به زور و جبر نمی‌توان تحمیل کرد. بلکه هر یک از ما به‌طور آگاهانه آن را انتخاب کرده‌ایم. ما که مسلمانیم اسلام را انتخاب کردیم و معتقدیم که اسلام آخرین دین الهی و کامل‌ترین همه ادیان است. ولی نمی‌توان این اعتقاد را به اجبار به دیگری تحمیل کرد، زیرا دیگری هم باید تحقیق و جستجو بکند تا یقیناً به این نتیجه برسد. بنابراین مادامی که پیروان ادیان به یک نتیجه واحد نرسیده‌اند، باید برای

۱. متن پیام به کنفرانس صلح ادیان که از جانب "بنیاد هماهنگی ادیان و صلح جهانی" در فروردین سال ۱۳۸۴ در هندوستان برگزار شد.

استقرار صلح جهانی، به همه این ادیان احترام گذارد و به آنها اهمیت داد و امکاناتی را برای آنان فراهم کرد که بتوانند جستجوی خودشان را ادامه بدهند تا در راه وحدت ادیان موفق بشوند. ولی همان طور که گفته شد امروز نمی توان از وحدت ادیان دم زد بی آنکه عقیده دیگری را محترم شمارد. لذا به همین دلیل من که معتقدم عرفان اسلامی در میان طریقه های عرفانی ادیان مختلف، مترقی ترین عرفان هست، این اعتقاد خود را به دیگران تحمیل نمی کنم اما امیدوارم سایرین هم به همین نتیجه برسند که من رسیده ام.

در دوران اخیر بسیاری از بزرگان و رهبران جهان متوجه این مطلب شده اند. چنانکه پاپ فقید ژان پل دوم که انسانی دانا و متوجه این نکات بود بعد از مدت ها اختلاف بین فرق مسیحی، به بیت المقدس رفت و با بزرگان ارتدکس نیز ملاقات کرد. پیروان ادیان در عین اینکه هیچ کدام نباید از اعتقادات دینی خود دست بردارند، باید به اعتقادات دینی دیگران هم احترام بگذارند و همچنین باید با هم نحوه ای همکاری اجتماعی داشته باشند بدون اینکه عقاید خویش را ترک کنند و یا حتی تخفیف بدهد و این مطلب باید در ذهن همه متدینان وارد بشود. خوشبختانه در عرفان اسلامی همواره این مسأله مورد توجه بوده و عارفان مسلمان با پیروان دیگر ادیان معاشرت داشتند و به آنها احترام می گذاردند. و کتب عرفانی نیز مؤید صدق این کلام است.

در عرفان اسلامی برای هر فردی شخصیتی قائلند و به انسان ها این امکان را می دهند که تحقیق کنند و بفهمند و بعد از درک مطلب، اعتقادات خود را اختیار کنند، کما اینکه در ابتدای ورود اسلام به ایران شاهد این واقعیت هستیم. درست است که اعراب، اول بار دین اسلام را پذیرفتند و بسیاری از ممالک اسلامی را فتح کردند ولی این صحیح نیست که بگوییم اعراب، ایران را فتح کردند، زیرا ورود

اسلام به ایران تا حدود ری با جنگ و ستیز بود ولی بعد از آن مردم خودشان تعالیم اسلام را پذیرفتند و بر مبنای آن عمل کردند. اما چگونه به انتخاب اسلام رسیدند؟ چون در اسلام تعالیمی از قبیل اینکه انسان‌ها و حقوق آنها را باید محترم داشت و از آزادی بیان و عقیده حمایت کرد، این تعالیم را پسندیدند و به اسلام روی آوردند.

متأسفانه در دنیای امروز جریان سیاست چنان غلبه پیدا کرده است که تعالیم عالیه ادیان را نیز تحت سیطره خویش درآورده است. چنانکه دفاع از صلح نیز با اغراض سیاسی همراه است همانند طرفداری و حمایت از یک جناح و یا مخالفت با آن. بزرگان ادیان باید سعی کنند اعتقادات دینی از سیطره سیاست دور بشود و آلت دست هیچ یک از افکار و آراء مختلف سیاسی قرار نگیرند. البته انسان‌ها آزادند خودشان روش سیاسی و اجتماعی مورد قبول خویش را انتخاب کنند و از جنبه اعتقادی به یکی از ادیان الهی، متدین باشند ولی اینکه کسانی احساسات دینی را در هر قومی و هر ملتی تحریک کنند و از آن استفاده کنند، چنانکه این امر امروزه در عالم سیاست متداول است، امر خطرناکی است که هم اعتقادات مردم را خراب می‌کند و هم امکان آن انتخاب اصلح را در اعتقادات برای مردم باقی نمی‌گذارد و حاصلش این است که جنگ بین پیروان ادیان را بیشتر می‌کند. به این جهت است که کار بنیاد هماهنگی دینی بسیار ضروری است و صلح جهانی هم امکانی است برای این قبیل بنیادها که به جستجو و انتخاب اصلح ادامه دهند.

خیلی متشکرم، والسلام

اضافه کنم که من قبلاً از طرف جناب آقای ماهاریشی کاپیل ادوایت^۱ رئیس

1. Maharishi Kapil Adwait

محترم بنیاد، نامه‌ای دریافت کردم که خبر این کنفرانس را داده بودند و از مخلص برای شرکت در آن دعوت کرده بودند و البته چون هر نامه‌ای را باید پاسخ داد من در پاسخ به این دعوت نامه، نامه ذیل را به ایشان نوشتم:

جناب آقای ماهاریشی کاپیل ادوایت

۱۴ فروردین ۱۳۸۴، ۳ آوریل ۲۰۰۵

با عرض سلام صمیمانه، دعوت نامه شرکت در کنفرانس بنیاد هماهنگی مذهبی و صلح جهانی را دریافت کردم. من نیز تشکیل چنین بنیادی را با هدف مذکور تأیید می‌کنم. تاریخ قرون اخیر به ما هشدار داده است که مراقب نفوذ دشمنان در عالم معنوی دین‌داران باشیم و بدون سقوط در غرقاب بدبینی و با در نظر گرفتن: *إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ*^۱ مراقبت کافی داشته باشیم و گفته خداوند را که فرمود: *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ*^۲ را ملاک تکریم هم‌نوع قرار دهیم.

اعتقادات دینی کاملاً شخصی است و قابل تحمیل به دیگری نمی‌باشد. بدیهی است متدین به هر دینی، اعتقادات خود را برتر می‌داند و به همین جهت است که از میان تمام ادیان همان دین را انتخاب کرده است. وجه مشترک همه آنها "تدین" است یعنی قبول عقاید و تعالیمی معنوی و تقید و تسلیم به نظام معنوی اجتماعی خاصی. ما مسلمانان که اسلام را انتخاب کرده‌ایم، آن را دین صلح و صفا و آزادی دانسته‌ایم و با همه تکریم‌شدگان (بنی آدم) انس و تعامل معنوی داریم و چون معتقدیم که: *لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ*^۳، لذا برای همگان این حق – و بلکه

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲: زیرا پاره‌ای از گمان‌ها در حد گناه است.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۰: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۶: در دین هیچ اجباری نیست.

وظیفه - را قائلیم که به جستجوی نظام برتر معنوی بپردازند و لازمه وجود امکانات آزاد چنین جستجویی را استقرار صلح در جهان می‌دانیم و از نظر ما وظیفه همه افراد بشر بخصوص دینداران عالم، حفظ و استقرار چنین صلحی است. علی‌الخصوص سلوک عرفانی را برای متدینین به همه ادیان لازم می‌دانیم. عرفان که در واقع معنای واقعی و روح همه ادیان الهی است، وسیله ارتباط و وجه مشترک آنان می‌باشد. من بنده کمترین خداوند و هم‌چنین اسلاف معنوی و نسبی من در این راه کوشیده‌ایم و برای حفظ آن ایثارها کرده و حملات ناروایا به مصداق: *إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا*^۱، احياناً با اغماض یا در حدّ دفاع از خود تحمّل نموده‌ایم. هندوستان مدت‌ها مرکز عرفان اسلامی بوده و کوشش‌هایی از قبیل آنچه عارف شهیر مسلمان، داراشکوه، در مسیر تقریب ادیان اسلام و هندو انجام داد، مورد تصویب و تأیید همه پیروان واقعی ادیان است. اکنون نیز هندوستان مظهر صلح جهانی و عرفان بوده و انشاءالله بعداً نیز خواهد بود.

آقای حسینعلی کاشانی بیدختی که در عرفان نظری مطالعه دارند و سلوک عرفانی را از سال‌ها قبل نزد بزرگان عرفان و اسلاف من شروع کرده و تا هم‌اکنون ادامه داده‌اند به این کنفرانس خواهند آمد و توضیحاتی اگر لازم باشد، خواهند داد. خود این دعوت‌نامه و پاسخ آن مراحل است از طریق سلوک عرفانی و مطالعه نظری عرفان. تأییدات شما را در صراط‌المستقیم خواهانم.

با عرض احترام مجدد و آرزوی توفیق

۱. سوره فرقان، آیه ۶۳: و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند، به ملایمت سخن گویند.